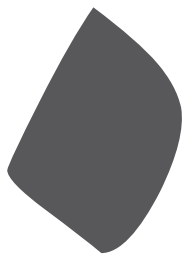


# تحول واحدها و سازمان ژانرهای لیریکی در نظم فارس و تاجیک



زین العابدین در گاهی\*



شاه‌زمان رحمان در سال ۱۹۴۶م در وادی قبادیان، واقع در جنوب تاجیکستان و در کنار آمودریا، در خانواده‌ای فرهنگی دیده به جهان گشود. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، به دانشگاه آموزگاری - به نام صدرالدین عینی - رفت و در رشته ادبیات ادامه تحصیل داد. مدتی به تعلیم و تدریس پرداخت؛ پس از آن، به پژوهشگاه زبان و ادبیات «رودکی» آکادمی علوم تاجیکستان رفت و بیشتر عمرش را در آن پژوهشگاه به تحقیق و پژوهش پرداخت. اکنون به عنوان کارشناس ارشد (سرخادم) علمی پژوهشگاه خدمت می‌کند. وی در دانشگاه آموزگاری، دانشکده زبان‌ها، دانشگاه صنعتی و دانشگاه ملی، با درجهٔ پرفسوری ایفای وظیفه کرده است. مدتی مدیر بخش زبان در وزارت معارف (علوم) بود. چند کتاب و مقالات بسیاری از وی منتشر شده است. کتاب تحول واحدها و سازمان ژانرهای لیریکی در نظم فارس و تاجیک آخرین اثر منتشرشده از اوست که به اختصار آن را معرفی می‌کنیم.

ادبیات فارسی، به‌ویژه شعر و یکی از شکوهمندترین فرازهای آن، شعر غنایی (Lyric)، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه هنر و ادبیات بوده است. شعر غنایی در ادب فارسی، از جهت ساختار و محتوا، دگرگونی‌های اساسی به خود دیده است. کتاب تحول واحدها و سازمان ژانرهای لیریکی در نظم فارس و تاجیک، شعر غنایی فارسی را از جهت ساختار، بررسی و تحلیل کرده است.

مؤلف، شعر غنایی را به طور یگانه و همبسته در شکل‌گیری، چگونگی پیدایش، تحول و رشد آن ارزیابی کرده است. به عبارت دیگر، تاریخ پیدایش، تکوین و جریان رشد و تأثیر متقابل (با عناصر دیگر) نظم فارسی/ تاجیکی در ژانر غنایی را از آغاز تا امروز به بحث گذاشته است. این کتاب دو مقدمه دارد؛ نخست، مقدمه ۵ صفحه‌ای از آقای علی‌اصغر شعردوست، سفیر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری تاجیکستان و مقدمه دوم از آکادمیسین، محمدجان شکوری است. مؤلف مطالب را در ۴ گفتار تدوین کرده است:

\* تحول واحدها و سازمان ژانرهای لیریکی در نظم فارس و تاجیک

\* شاه‌زمان رحمان

\* چاپ اول، دوشنبه - تاجیکستان: پژوهشگاه فرهنگ فارسی -

تاجیکی، سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان

\* تعداد صفحه: ۳۱۰ (به خط سیریلیک) + ۲۱ (به خط فارسی)

گفتار اول، از صفحه ۲۳ تا صفحه ۸۸، با عنوان «بیت»؛  
گفتار دوم، از صفحه ۸۹ تا صفحه ۱۴۲، با عنوان «بند»؛  
گفتار سوم، از صفحه ۱۴۳ تا صفحه ۱۶۴، با عنوان «آمیزه بیت و بند»؛

گفتار چهارم از صفحه ۱۶۵ تا صفحه ۲۸۵، با عنوان «شعر آزاد»، که شامل ۳ فصل است: شعر نو، شعر آزاد و شعر ذهنی.

کتاب با ۶ صفحه مطلب پایانی با کتابنامه و نمایه همراه است. ۲۱ صفحه از مطالب، به خط فارسی، شامل مقدمه آقای شعردوست و ۱۳ صفحه چکیده فارسی است، که متأسفانه مطالب چکیده فارسی، آشفته، تکراری و نارساست و چندان گویایی محتوای کتاب نیست.

همه انواع شعر غنایی فارسی، از جهت ساختار، در یک تقسیم‌بندی در واحد سازمانی ویژه‌ای قرار گرفته‌اند:

۱. واحد بیت، ۲. واحد بند، ۳. واحد آمیزه (بیت و بند)، ۴. واحد شعر آزاد. بدیهی است، این واحدهای سازمانی شعر غنایی، یکباره به وجود نیامده‌اند و در طول تاریخ، در سیر تطوّر خلق شده‌اند:

۱. واحد بیت: نخستین واحد شعر فارسی است که از نظم عرب تأثیر پذیرفته است. مؤلف، جایگاه بیت را در شعرهای غنایی، مانند قصیده، قطعه، غزل، رباعی، دوبیتی و فرد، نشان داده و هر یک از آنها را در مضمون و محتوا، تاریخ پیدایش و تکوین، نیز از جهت ترکیب رابطه محتوا و مضمون، بیان مصراع و بیت، پیوندهای انواع ادبی و تفاوت آنها، حالت‌های متناسب، متوازن و مساوی مصراع‌ها و بیت‌ها بررسی کرده است.

بیت و مناسبات آن در شعر و دیدگاه پژوهشگران، از مباحث دیگر این گفتار است. نویسنده جایگاه بیت را در آثار شاعران گذشته و حال نشان داده، آنگاه به غزل و رباعی پرداخته است؛ زیرا بر آن است که این دو قالب، از انواع عمومی و فلسفی است. به تعبیر نویسنده، غزل و رباعی پذیرفتنی‌ترین قالب شعر فارسی / تاجیکی در تمام دوره‌های تکوین شعر فارسی است.

مؤلف کتاب به هنگام بحث درباره تاریخ به وجود آمدن این واحد، درباره مضمون، محتوا، ترکیب و... غزل و رباعی در شعر شاعران سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که در بین ژانرهای کوچک، غزل، رباعی و دوبیتی توانسته‌اند عمومیت بیابند. وی بر آن است که غزل و رباعی، در نظم عرب - و نیز در ملل دیگر - بیشتر بر آهنگ مصیبت است. بر عکس، در شعر فارسی، مطمئن، پُرشور، پُر جاذبه و نشاط‌آور است. نویسنده انواع یادشده شعر غنایی را در سروده‌های مردم ترک‌زبان و اسلونی، نیز در سروده‌های برخی از کشورهای اروپایی مطالعه کرده، بر آن است که تحت تأثیر نظم فارسی‌اند.

یکی از علل استقلال بیت در غزل، انعکاس موضوع‌های گوناگون است. غزل با مضامین و آهنگ عاشقانه، از وظایف آموزشی و تربیتی، حکمت و فلسفه دور نشد. سروده‌های سعدی و حافظ، با گنجاندن مضامین گوناگون در بیت‌های مستقل، خدمتی شایان توجه به شعر فارسی کرده است. در کنار غزل، قصیده از مهم‌ترین ژانرهای سیاسی و اجتماعی است که حاکمان به یاری آن، جاه و مرتبه، شأن و شوکت دولت خود را باشکوه‌تر جلوه می‌دادند.

نویسنده در ادامه، سیر تکوین قصیده را از زاویه‌های گوناگون بررسی کرده، ساختار قصیده را در تغزل (تشبیب و نسیب)، مدح، بیت‌های مطلع و مقطع، گریزگاه (تخلص) و شریطه نشان داده و گاهی آنها را همچون نوع‌های کوچک وابسته و یا قسمت‌های جداگانه می‌داند؛ آنجا که بند و اندرز است، مضمون عاشقانه و دل‌نوازی غزل با دیگر نوع‌های کوچک هماهنگ می‌شود. در ادامه، هماهنگی و یا ناهماهنگی انواع سروده‌های غنایی از این دیدگاه بررسی شده است.

۲. واحد بند: در سیر تحوّل ساختار شعر غنایی، پس از بیت، به واحد «بند» می‌رسیم که در شکل و معنی شعر تحوّل ایجاد کرد. در واحد بند، شاعران در کنار رهایی از تکلف، به تفصیل به مضمون پرداختند. از بندها مسمّط به وجود آمد. شعر فارسی / تاجیکی پس از دوره خلافت عرب، از نمونه‌های ابتدایی بند، از هنر چهارخانه‌ای بهره‌ فراوان برده است. بدین سبب، تسمیط به وجود آمد و واحد، بند شد. شاعران بند را نخست در داخل بیت‌های قصیده و غزل آوردند و سپس نوع‌های تازه بند، مانند مخمس، مسدس، مربع و مثلث را کشف کردند. در طول تکمیل انواع تسمیط و نیز نوع‌های بند مساوی تسمیط رشد یافت.

یکی از ویژگی‌های این رساله آن است که مؤلف، تمام انواع مسمّط، از مثلث تا دهگانه، را بررسی می‌کند و شکل‌گیری نظام جدید آن را به تاریخ پیدایش اندیشه‌های بدیع دانشمندان و شاعران نسبت می‌دهد. شاعران توانستند از موضوع‌های کوچک به موضوع‌های فراگیر و مضمون‌های فراخ‌دامن روی آورند. آنان علاوه بر تصویر مناظر و بیان احساس و اندیشه در شعر، از ستایش ممدوح، بیان رسم نیاکان، هنر رزم و بزم، آیین‌های دینی، حوادث تاریخی و... سخن گفتند. آنگاه تحولات میان بند و مسمّط، رابطه بین بیت و بند و قواعد حاکم بر ساختار درونی بند طرح شده و سروده‌هایی با همین ساختار در ملل دیگر، به صورت تطبیقی بررسی گردیده است.

واحد بند، همچون واحد بیت، به شکل‌های مختلف بروز پیدا کرده است. نویسنده در این گفتار به مندرجات مسمّط، رابطه قصیده و مسمّط، غزل و مسمّط پرداخته است؛ زیرا این نوع‌های شعر، در ابتدا به مضمون و محتوای قصیده و غزل پیوسته، همان مضمون مندرج را در واحد بند

گنج‌انیده و از قرن ۱۳م به بعد، به تدریج ساختار خود را تغییر داده است. در این دوره، تغزّل و مدح به یک اندازه از هم جدا شدند و مضمون و مندرج مشخص کسب کردند. واحد بند موجب شد که معنی خصوصی غزل و مدح در ساختار سنتی قصیده از هم جدا گردند.

۳. واحد آمیزه بیت و بند: در واحد ساختاری آمیزه، شعر گسترده‌تر و بندها مفضل‌تر شد و از محدودیت قافیه یا فراتر گذاشت و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند ظاهر گردید. شاعران در این دو واحد ساختاری، در هر بند معنی‌های مستقل را به کار بردند. هر بند، به مانند یک غزل، معنی را افاده می‌کرد. واحد آمیزه، مرحله‌ای نوین در تحولات شعر فارسی بود: بند + بیت یا بیت + بند. آمیزه این واحد در شعر فارسی، از گذشته تا روزگار ما ادامه یافت.

بیت، با یک ریتم و قافیه و با یک آهنگ شکل می‌گیرد؛ اما بند امکانات وسیع‌تری دارد که مضمون‌ها را از دو به دو افاده شدن به سه، چهار، پنج و حتی ده مصرع هم می‌تواند برساند، که قافیه دیگر یکنواخت نیست. ترکیب‌بند و ترجیع‌بند با مسمط کاملاً تفاوت دارد؛ مهم‌ترین تفاوت، این است که در مسمط، مصرع و کاربرد آن مهم است، اما در ترجیع‌بند و ترکیب‌بند، به جز مصرع، بیت اهمیت دارد. بیت، جز خلاصه‌بندی در داخل بندها، واسطه‌آسانی معنی‌آفرینی است. در بیان این مسئله، مؤلف از سروده‌های اروپایی هم استفاده کرده است.

۴. واحد شعر آزاد: دگرگونی‌های اجتماعی، پیشرفت علوم در قرن بیستم، نزدیکی ملت‌ها، تأثیر و تأثر ادبیات ملل مختلف، روند ادبیات جهان را دگرگون کرد. شعر آزاد، محصول این تحولات نوین در ادبیات ملت‌ها و شعر فارسی و تاجیکی است. در تاجیکستان، شاعران پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، به این نکته توجه کردند و مضمون سروده‌های آنان به کلی دگرگون شد. علاوه بر توجه به قالب‌های سنتی، در نیمه دوم قرن بیستم به سبک نوین و شعر امروز بیشتر توجه شد. شعر آزاد، قالب‌های سخت و سنگین شعر سنتی را از خود رها کرد. در این جبهه، نظم انقلابی روس و نظم دیگر مردم شوروی سابق و اروپا، و نیز نوشته‌های کسانی مانند مایاکوفسکی، بر اندیشه شاعران تاجیک اثر گذاشت و بیداری اجتماعی را به وجود آورد. این گونه اشعار در میان شاعران فارسی‌زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان دیده می‌شود و از جهت سیاسی و اجتماعی اهمیت بسیار دارد. در سروده‌های شاعران تاجیکستان، مانند حبیب یوسفی، میرزا ترسون‌زاده و بسیاری از شاعران انقلابی دیگر، نیز سروده‌هایی مانند «مارش حریت» از صدرالدین عینی، و سروده‌های شاعران انقلابی ایران، مانند ملک‌الشعراء بهار، میرزاده عشقی، فرخی یزدی، همچنین مختصات نقد ادبی ایران در آثار نینمار بوشیج (پدر شعر نوین فارسی) و... از نمونه‌های آن است.

مؤلف کتاب بر آن است که شعر سیاسی - اجتماعی نوین تاجیکی با سروده‌های صدرالدین عینی آغاز شده است؛ البته عمومیت سروده‌های پیرو سلیمانی، از شاعران معروف تاجیک، و نیما بوشیج در ذیل چند نکته بیان شده است.

اندکی پس از دومین جنگ جهانی، به‌ویژه تقریباً یکی - دو دهه پس از آن، پیروی از سبک نیما و موج نو در شعر نو تاجیکستان دیده می‌شود؛ مؤمن قناعت، لایق شیرعلی، بازار صابر، گل‌نظر، کمال نصرالله، رحمت نذری، ضیاء عبدالله و... و جوان‌ترها، مانند دارا نجات، فرزانه خجندی، محمدعلی عجمی، سیاوش و... در شعر معنی‌هایی تازه خلق کردند. در سروده‌های آنها تأثیر این شاعران دیده می‌شود؛ هوشنگ ابتهاج (سایه)، سیمین بهبهانی، حسن هنرمندی، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، نادر نادرپور، سیاوش کسرای، نیز شاعران مشهوری چون پابلو نرودا، تاگور، رسول حمزه‌اف و...

بسیاری از شاعران با پیروی از سبک نیما، موج نو را در شعر تاجیکستان به وجود آوردند. البته شعر آزاد، گاهی به نظم کلاسیک شبیه است و در محتوا، فراگیری مضمون‌های اجتماعی، وزن و قافیه، واج‌آرایی، تصویرپردازی و... تازگی‌هایی را به همراه دارد. اگرچه در برخی از نمونه‌های شعر آزاد، با شعر قدیم، به‌ویژه نظم صوفیه، هماهنگی بیشتر مشاهده می‌شود.

نویسنده در ادامه، شاخه‌ها و ویژگی‌های مختلف شعر آزاد را مطرح کرده است. اصطلاحات شعر آزاد فارسی، مقایسه و تطبیق با نظم ملل دیگر، مانند سروده‌هایی به شیوه نوین و کهن شعر چینی و ژاپنی و... جریان‌شناسی شعر معاصر... از دیگر مباحث این کتاب است. در ادامه، از موج‌ها و پدیده‌های نو، ویژگی‌ها و مضمون‌های اجتماعی شعر، نظام نو شعر آزاد، فراز و نشیب آهنگ، شکستن مصرع‌ها، پیروان نیما، شعر ذهنی، نوآوری‌های غنایی در شعر آزاد... سخن گفته است.

به هر روی، کتاب تحول واحدها و سازمان زائره‌های لیریکی در نظم فارس و تاجیک پروفیسور شاه‌زمان رحمان، پژوهشی درباره شعر غنایی فارسی / تاجیکی است که از جهت ساختاری و محتوایی در شعرشناسی، کلام بدیع و هنرهای شعری، کاری شایسته و درخور توجه ویژه است.

#### پی‌نوشت

\* دانش‌آموخته دکتری ادبیات فارسی از پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان.

۱. محمدجان شکوری از چهره‌های سرشناس فرهنگ و معارف تاجیکستان و عضو فرهنگستان زبان و ادبیات ایران است که این کتاب با اشراف ایشان به پایان رسیده است.